

مقدمه‌ایی بر روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی

روش‌های کیفی

فیروزه طیب‌نژاد

دبیر علوم اجتماعی دبیرستان شهید مسافری ناحیه چهار تبریز

توجه است که ضرورت به‌کارگیری روش‌های کیفی در علوم انسانی- اجتماعی مطرح می‌شود.

تاریخچه

«در خلال چند دهه گذشته و به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰، علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری درگیر مناقشه‌های نظری و روش‌شناختی متعددی بوده‌اند. دهه ۱۹۷۰ و پس از آن (عمدتاً تا دهه ۱۹۹۰)، دوره‌ای بسیار مهم در نظریه و روش علوم اجتماعی و رفتاری است که به اصطلاح «دوره چرخش نظری» نیز خوانده می‌شود. در این دوره، آثارضدثباتی متعددی به‌نگارش درآمدند و مواضع اثباتی جدیدی نیز به وجود آمدند. افول نسبی پارادایم متعارف وفاق سنتی یا اثبات‌گرایی و پیدایش فلسفه‌های جدید علم و علوم اجتماعی (رویکردهای برساختی - تفسیری، انتقادی، فمینیستی، پست‌مدرنیستی، نوپراگماتیستی و...) محصول دوره‌ای از مناقشه بسیار طولانی بین تعداد فراوانی از چشم‌اندازهای نظری و رهیافت‌های پژوهشی بوده است» [محمدپور، ۱۳۸۹-۲۶: ۲۵].

«روش‌های کیفی گوناگونی از طرف صاحب‌نظران متعددی ارائه شده‌اند که همه به دنبال مشارکت در درک این مطلب‌اند که جهان چگونه ساخته شده است، اما هر یک از آن‌ها عهده‌دار جنبه متفاوتی از این کار است... به‌طور کلی، پژوهش کیفی اساساً می‌تواند اشکال جدیدی از دانستن را در سه حوزه ترکیب کند و به وجود آورد:

۱. شناخت دیگران؛ ۲. توسعه شناخت پدیده‌ها؛ ۳. تولید شناخت عمیق یا انعکاسی» [هومن، ۱۳۸۹: ۱۱].

ضرورت توجه به روش‌های کیفی در علوم اجتماعی

اگر تحقیقات کمی بر اندازه‌گیری پدیده‌های انسانی- اجتماعی و بیان نتایج به‌دست آمده از تحقیق به‌واسطه اعداد و ارقام مبتنی است، تحقیقات کیفی نه بر اندازه‌گیری و مقوله‌های عددی، بلکه بر مفاهیم، واژه‌ها و عبارات استوار است. پرسش قابل تأمل در اینجا

مقدمه

شناخت حیات اجتماعی و پدیده‌های آن از جمله ضرورت‌های مسلم عصر حاضر به‌شمار می‌رود. چنین شناختی تا آنجا می‌تواند داعیه علمی بودن داشته باشد که متکی به روش‌های متناسب با موضوع متکی باشد و نتایج آن هر چه بیشتر و بهتر بازتاب زندگی واقعی انسان‌ها را منعکس کند. از این‌رو مسئله روش، مسئله‌ای بس قابل تأمل است.

در اینجا به معرفی روش کیفی می‌پردازیم که در کشور ما چندان شناخته شده نیست. لازم به ذکر است که بیش از هر چیز باید در خصوص ویژگی‌های این روش که آن را از روش کمی تمایز می‌بخشد، تأمل کرد.

کلیدواژه‌ها: روش کمی، روش کیفی، اعتبار، روایی، ارزیابی کیفیت

زمانی که **ماکس وبر** و پیش از او **دیلتای** بر روش غیرکمی تأکید کردند، هنوز اثبات‌گرایی و الگوبرداری از روش علوم فیزیکی و طبیعی بر علوم اجتماعی سلطه داشت و کمی‌سازی متغیرهای مورد نظر که حاصل تقلیل پدیده‌های مورد بررسی بود، یگانه روش یا بهترین روش پژوهش به‌شمار می‌رفت. در آن زمان هنوز علوم اجتماعی وارد مناقشات نظری و روش‌شناختی نشده بود و هنوز ضرورت‌هایی که بهره‌گیری از روش‌های غیر کمی را مسلم می‌ساختند، خود را به قوت آشکار نساخته بودند.

«مکتب تفهمی» ماکس وبر و به‌طور کلی تفسیر‌گرایان و اصحاب هرمنوتیک، مکتب کنش متقابل نمادین، مکتب انتقادی فرانکفورت و نظریات فمینیستی، از جمله ناقدان رویکرد اثباتی و کمی‌گرا محسوب می‌شوند. اینان اتکای صرف به چنین روش‌هایی را برای بررسی پدیده‌های اجتماعی، خصوصاً پدیده‌هایی که مستقیماً به روابط اجتماعی میان انسان‌ها در حیات روزمره‌شان مربوط می‌شوند، به شدت ناکافی و تقلیل‌گرا می‌دانند. به‌لحاظ این ناکارآمدی قابل



مقایسه روش‌های کمی و کیفی

با مقایسه روش‌های کمی و کیفی می‌توان شاخص‌ترین تفاوت‌ها را در مقوله‌های زیر بیان کرد:

۱ ذهن‌گرایی در برابر عین‌گرایی: روش کیفی به اطلاعات و داده‌هایی توجه دارد که بیانگر ماهیت رفتار کنشگران اجتماعی است، نه صرفاً اشکال ظاهری و صوری رفتار. در حالی که روش کمی بر خصوصیات و آثار خارجی رفتار متمرکز است و وارد عمق رفتار نمی‌شود.

۲ تک واقعیت‌گرایی در برابر چند واقعیت‌گرایی: در روش کیفی، انسان‌ها واقعیت‌های متعددی را می‌سازند و تجربه و تفسیر می‌کنند، حال آنکه روش کمی به وجود یک واقعیت عام معتقد است و بنابراین به وجود یک نظم و قانون عام برای پیش‌بینی و کنترل زندگی باور دارد.

۳ کشف در برابر اندازه‌گیری: کشف بدون پیش‌داوری‌های نظری عناصر معنایی و ذهنیت‌های زیرینی که به رفتارهای انسان جهت می‌دهند، عمده‌ترین هدف تحقیق کیفی است. در صورتی که روش کمی به دنبال اندازه‌گیری و سنجش رفتارها در قالب و اشکال آماری و عددی است.

۴ تحلیل روایتی در برابر تحلیل آماری: گزارش‌ها و تحلیل‌های کیفی، داستان‌گونه اما متکی بر معنای متأثر از مشاهده‌ها و تفهم‌های عمیق هستند، در حالی که اطلاعات و داده‌های کمی به صورت اعداد و شمارش‌ها و در قالب روش‌های کمی عرضه می‌شوند.

۵ غوطه‌وری در برابر جدایی: محقق کیفی نوعی رابطه دوسویه با میدان تحقیق دارد و فعالانه و هم‌دلانه در آن مشارکت می‌کند. این در حالی است که محقق کمی صرفاً یک مشاهده‌گر خارجی است و عمیقاً درگیر میدان و فرایندهای پژوهشی نمی‌شود.

۶ بستر محوری در برابر بستر گریزی: روش کیفی متکی بر مطالعه بستر است؛ بستری که بر اساس رفتارها شکل می‌گیرد

می‌تواند این باشد که به چه دلیل نیاز به روش‌های کیفی در این دوره بیش از قبل خود را می‌نمایاند؟ به زعم **اووه فلیک:** «تحقیق کیفی ارتباط خاصی با مطالعه روابط اجتماعی دارد و وام‌دار این واقعیت است که زیست جهان‌ها متکثر شده‌اند... این متکثر شدن، حساسیت جدیدی نسبت به مطالعه تجربی مسائل ایجاد می‌کند. تغییرات سریع اجتماعی و در نتیجه آن، تنوع زیست جهان‌ها، به شکل روزافزونی محققان اجتماعی را با زمینه‌های اجتماعی و دیدگاه‌های جدیدی مواجه می‌کنند. این مسائل به قدری برای آنان نوظهورند که روش‌شناسی‌های قیاسی سنتی‌شان،... به واسطه گوناگونی موضوعات، دیگر پاسخ‌گو نیست. از این‌رو، تحقیق اجتماعی به شکل فزاینده‌ای به استفاده از راهبردهای استقرایی وادار شده است. برای مطالعه زمینه‌های اجتماعی، به جای شروع پژوهش از نظریه‌ها و آزمون آن‌ها، به **مفاهیم حساسیت‌برانگیز** نیاز است... علاوه بر این تحولات عمومی، محدودیت‌های رویکرد کمی همواره نقطه شروعی برای استدلال به نفع تحقیق کیفی بوده است» [فلیک، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۲].

از مطلب فوق چنین استنباط می‌شود که در جوامع متکثر و متنوع، به‌ویژه جوامع مدرن، دیگر نمی‌توان به انتخاب نمونه‌ای گویا براساس روش‌های دقیق نمونه‌گیری مطمئن بود، طوری که بتواند نماینده وضعیت کل جامعه یا حتی بخشی از آن باشد.

ویژگی‌های کلی روش‌های کیفی

ویژگی‌های کلی روش‌های کیفی به‌زعم فلیک عبارت‌اند از: «تناسب نظریه‌ها و روش‌ها، دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در تحقیق کیفی و تنوع آن‌ها، تأثیر متقابل محقق و تحقیق، تنوع رویکردها و روش‌ها در تحقیق کیفی، درون‌فهمی به منزله اصل معرفت‌شناختی، بازسازی مورد به منزله نقطه شروع، بر ساخت واقعیت به مثابه شالوده و بنیان، و متن به مثابه داده تجربی» [همان، ص ۸۴].



۴ پیش‌بینی: پیش‌بینی خروجی‌های پدیده، پیش‌بینی رویدادهای رفتارهای منتج از پدیده [همان، ص ۹۷-۹۶].
 عنایت به ویژگی‌های هر دو روش کمی و کیفی این نکته را نمایان می‌سازد که در بسیاری از موارد، اکتفای صرف به یک روش یا یک تکنیک پژوهشی برای بررسی یک پدیده اجتماعی و انسانی، امری کاملاً نادرست است. این موضوعی است که ما را به جزم‌گرایی در روش می‌رساند؛ انحراف مهم و تهدیدآمیزی که اندیشمندی چون وبر، محققان علوم اجتماعی را از آن بر حذر می‌دارد.

مبانی نظری و مکاتب تحقیق کیفی

روش کیفی بر پارادایم‌ها و رهیافت‌های نظری مختلفی متکی شده است که در واقع مبانی نظری آن را تشکیل می‌دهند. جامعه‌شناسی تفهیمی، هرمنوتیک، مکتب کنش متقابل نمادین، روش‌شناسی مردم‌نگارانه، پدیدارشناسی، برساخت‌گرایی، نظریه انتقادی، پراگماتیسم و فمینیسم، از جمله این مبانی هستند. علاوه بر این، نظریه‌پردازی داده‌محور، روش‌شناسی مردم‌نگارانه (تحلیل گفت‌وگو، تحلیل گفتمان و تحلیل ژانر)، تحلیل روایت و زندگی‌نامه‌نگاری، قوم‌نگاری، مطالعات فرهنگی و جنسیت پژوهی، از جمله مکاتب تحقیق کیفی به‌شمار می‌آیند [فلیک، ۱۳۹۰].
 بر اساس این مبانی نظری و مکاتب مربوط به تحقیق کیفی، انواع تحقیقات کیفی به‌وجود آمده‌اند که هر یک از آن‌ها از فنون و تکنیک‌های خاصی برای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها بهره می‌گیرد. به‌طور کلی داده‌های تحقیقات کیفی به دو نوع قابل تقسیم است: داده‌های متنی (نوشتاری - شنیداری) و داده‌های مشاهده‌ای (متنی شده- ناب). این داده‌ها از منابع متفاوت قابل دسترس هستند که در جدول زیر بدان اشاره شده است:

اعتبار و روایی تحقیقات کیفی

از جمله مسائل مطرح شده در تحقیقات کیفی، موضوع اعتبار و روایی است که به بحث ارزیابی مربوط می‌شود. در واقع، غالباً از به‌کار بردن واژه‌های اعتبار و روایی در مورد این تحقیقات خودداری و به‌جای آن از «ارزیابی کیفیت» استفاده می‌شود که با مسئله تعمیم‌پذیری هم مرتبط است.
 «مسئله اعتباریابی و تعمیم یافته‌ها از ابعاد بسیار مهم و

اجرا و تجربه می‌شود. در حالی که محقق کمی با تولیدهای بسستر سروکار دارد. وی با گردآوری اطلاعات کمی از محیط سعی دارد، رفتار انسان را از طریق بستر و محیط اجتماعی اصلاح کند [محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۰۳-۱۰۱].

«بر این اساس، روش کمی و روش کیفی از جنبه‌ها و ابعاد متعددی با یکدیگر تفاوت پیدا می‌کنند؛ از جمله به‌لحاظ پارادایمی، جمع‌آوری داده‌ها و نوع تحلیل داده‌ها، اعتبار و روایی، و تعمیم‌بخشی. حتی در مرحله تهیه طرح تحقیق نیز میان این دو روش تفاوت وجود دارد؛ به‌ویژه در جایگاه و نقش پیشینه تحقیق و مبانی نظری. به‌طور کلی تحقیق کیفی تحقیقی است که اطلاعات خود را با ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها در بستر اجتماعی دست‌نخورده به‌دست می‌آورد» [همان، ص ۹۳].

ابعاد مهم تحقیق کیفی

ابعاد مهم تحقیق کیفی عبارت‌اند از:

- راهبردهای طرح، شامل بررسی طبیعت‌گرا (موقعیت‌های واقعی)، انعطاف‌پذیری طرح ظهور یابنده، نمونه‌گیری هدفمند، و گردآوری داده‌ها.
 - راهبردهای کار میدانی، شامل داده‌های کیفی، درگیری و تجربه شخصی، بی‌تعصبی عاطفی و ملایمت و نظام‌های پویا.
 - راهبردهای تحلیل، شامل جهت‌گیری مورد خاص، تحلیل استقرایی و ترکیب خلاق، رویکرد کل‌نگر، حساسیت بستر و صدا، رویکرد و بازاندیشی [محمدپور، ۱۳۸۹].
- این ابعاد که هر کدام به‌مراحل از فرایند تحقیق کیفی معطوف هستند، به تناسب اهداف پژوهش، انتخاب، سازمان‌دهی و تنظیم می‌شوند.

اهداف تحقیق کیفی

به‌طور کلی می‌توان اهداف تحقیق کیفی را در چهار دسته مورد توجه قرار داد:

- ۱ اکتشافی:** بررسی پدیده کم‌درک شده، شناسایی و کشف موارد مهم به‌منظور تولید سؤال برای تحقیق بیشتر.
- ۲ تبیینی:** برای تبیین نیروهای تأثیرگذار بر پدیده مورد بحث، شناسایی شبکه‌های علی محتمل شکل‌دهنده به پدیده.
- ۳ توصیفی:** مستندسازی پدیده مورد علاقه.

نوع داده‌ها	داده‌های خاص	موارد
متنی	متنی تولید شده (متنی - شنیداری)	داده‌های مصاحبه‌ای، روایت‌های زنده، تاریخ شفاهی
متنی	متنی مکتوب (متنی - دیداری)	تاریخچه‌های زندگی، خاطره‌ها، روزنامه‌ها و مجلات، نامه‌ها، داستان‌ها، اسناد و مدارک اداری، گزارش‌های علمی - پژوهشی، روایت‌ها
مشاهده‌ای	مشاهده‌ای متنی شده	یادداشت‌های میدانی پراکنده، یادداشت‌های میدانی مشاهده‌ای مستقیم، یادداشت‌های میدانی استنباطی محقق
مشاهده‌ای	مشاهده‌ای ناب	تصویرها، فیلم‌ها، کרוکی‌ها و...

منبع: محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۰۰.



موضوع اعتبار و روایی در همین راستا صورت می‌پذیرد که در واقع برای ارزیابی کیفیت پژوهش به کار می‌رود.

معیارهای ارزیابی کیفیت در تحقیقات کیفی

«اکثر روش‌شناسان کیفی به جای استفاده از واژگان اعتبار و روایی کمی از معیار اعتماد‌پذیری یا قابلیت اعتماد برای ارجاع به ارزیابی کیفیت نتایج کیفی استفاده می‌کنند. قابلیت اعتماد به بیانی ساده، میزانی است که در آن می‌توان به یافته‌های یک تحقیق کیفی متکی بود و به نتایج آن‌ها اعتماد کرد. **گوبا و لینکلن** (۱۹۸۵) معتقدند: معیار قابلیت اعتماد دربرگیرنده چهار معیار جداگانه اما به هم مرتبط است: باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری» [محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۸۶-۱۸۴].

معیارهای فوق که می‌توان آن‌ها را به ترتیب با اعتبار درونی، اعتبار بیرونی، روایی و عینیت در روش کمی تقریباً متناظر به‌شمار آورد، دارای چنین معناهایی هستند:

آیا بر یافته‌های تحقیق برای سازندگان واقعیت چندگانه اولیه (کنشگران یا سوژه‌ها) باورپذیر هستند؟ (باورپذیری)

آیا انتقال استنباط‌ها از یک بستر فرستنده خاص به یک بستر گیرنده خاص امکان دارد؟ (انتقال‌پذیری)

تا چه میزانی فرایند بررسی اطمینان‌پذیر است و توانایی ابزار انسانی برای کسب نتایج سازگار و منطقی چه‌قدر است؟ (اطمینان‌پذیری)

تا چه میزانی محصول بررسی قابل تأیید است، از جمله اینکه آیا نتایج ریشه در داده‌ها دارند؟ آیا نتایج منطقی هستند؟ آیا سوگیری محقق وجود دارد؟ و مانند آن. (تأییدپذیری) [گوبا و لینکلن، ۱۹۸۵: تدری و تشکری، ۲۰۰۹: محمدپور، ۱۳۹۰: جدول ص ۱۸۷].

البته در سال‌های اخیر معیارهایی نیز برای ارزیابی کیفیت در تحقیقات کیفی تدوین و ارائه شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: معیار **سندیت گوبا و لینکلن** (سال ۲۰۰۰)؛ معیار آگاهی روش‌شناختی **سیل** (۱۹۹۹)؛ **رهیافت ارزیابی ملوی و رویس** (۱۹۹۴ و ۲۰۰۴)؛ **زاویه‌بندی دنزین** (۱۹۸۹)؛ معیار **نیکویی آرمینو و هالتگرن** (۲۰۰۲)؛ معیار **داوری حقیقت پاتون** (۲۰۰۱)؛ معیار **اعتباریابی ماکسول** (۱۹۹۷ و ۲۰۰۴)؛ معیارهای **اعتباریابی نیومن** (۲۰۰۶)؛ معیارهای **اعتباریابی پست مدرن لاتهر** (۱۹۹۳).

چالش برانگیز روش‌شناسی کیفی است... عمدتاً این‌گونه تصور شده که روش‌های کیفی و داده‌های برگرفته از آن‌ها، در مقایسه با طرح‌های کمی، فاقد معیارهای ارزیابی، اعتباریابی و تعمیم‌اند و تنگناها و محدودیت‌های نظری و روشی فراوانی دارند... واقعیت این است که طرح کلی تحقیق کیفی، از طرح مسئله تا ارزیابی نتایج و استنباط داده‌های کیفی، مبتنی بر و در راستای بنیان‌های پارادایمی - فلسفی حمایت‌کننده آن، یعنی پارادایم تفسیری - برساختی و طبیعی‌گرایی است که دارای تقابل‌های بنیادین با روش‌شناسی کمی مبتنی بر پارادایم اثباتی است... لذا دو روش کمی و کیفی براساس اصول وابسته خود در تمامی مراحل اجرا و ارزیابی تحقیق با هم تفاوت دارند... در نتیجه وجود چنین تفاوت‌هایی، به کارگیری واژگان متفاوت در زمینه ارزیابی و تعمیم داده‌های کیفی بسیار متنوع و متعدد است» [محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۶۷-۱۶۶].

از آنجا که محققان در روش‌های کیفی اعتقادی به امکان تکرارپذیری کامل پژوهش (خصوصاً توسط محققان دیگر) ندارند و به نقش تأثیرگذار موقعیت‌ها و نوع بینش و نگرش محققان در تمامی فرایندهای پژوهش معتقدند. بحث روایی بدان‌گونه که در روش کمی مطرح است، در روش‌های کیفی نمی‌تواند مطرح باشد. به زعم **فرناندز** (۱۹۹۴): «ما انسان‌شناسان دیر زمانی است که به این درک **هراکلیتوسی** رسیده‌ایم که نمی‌توانیم دو بار پای خود را در یک رودخانه بگذاریم» (همان: ۱۸۱).

از این‌رو در پژوهش‌های کیفی از به کار بردن مفهوم کمی روایی خودداری می‌شود و اساساً روایی در این پژوهش‌ها دارای معنی متفاوتی است.

مفهوم روایی در تحقیق کیفی

«در تحقیق کیفی، روایی عبارت است از اطمینان‌پذیری و هم‌سازی به‌منظور دستیابی به این هدف. محققان کیفی طیفی از تکنیک‌ها شامل مصاحبه، مشاهده، تحلیل تصویرها، اسناد و مدارک، و غیره را برای ثبت مشاهدات خود به‌طور هماهنگ به کار می‌گیرند» [همان، ص ۱۸۳].

در واقع هدف از ارزیابی کیفیت در تحقیقات کیفی، تأمین دقت در پژوهش است و دقت در نزدیک شدن به واقعیت. چرا که هیچ پژوهشی در هیچ رشته یا پارادایمی نمی‌تواند ادعای رسیدن به معرفتی کامل را داشته باشد. در ارزیابی پژوهش از لحاظ روایی آن، چند سؤال اساسی مطرح و پیگیری می‌شود: طرح تحقیق مناسب؟ داده‌های پایا؟ فرض‌های نظری روشن؟ مستندسازی مناسب فرایند تحقیق به باورپذیری یافته‌ها؟ تعمیم‌پذیری یافته‌های تحقیق؟ [اسپنسر و همکاران، ۲۰۰۳؛ سیلورمن، ۲۰۰۵؛ محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۸۳].

مشکل تحقیق کیفی از نظر فلیک

فلیک باورپذیر کردن تفسیر و نتایج تحقیق را در کنار فهم‌پذیری، اساسی‌ترین مشکل تحقیق کیفی می‌داند. به‌زعم او، پرداختن به

منابع

- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). *ضدروش / منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*، (ج ۱). انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی (ضدروش ۲) / مراحل و رویه‌های عملی روش‌شناسی کیفی*، (ج ۲)، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
- فلیک، اوه (۱۳۹۰). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، تهران، چاپ نهم.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۹). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*، انتشارات سمت، تهران.